

ایران

مساحت: ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع
پایتخت: تهران
زبان رسمی: فارسی
پایتخت: تهران
زبان رسمی: فارسی

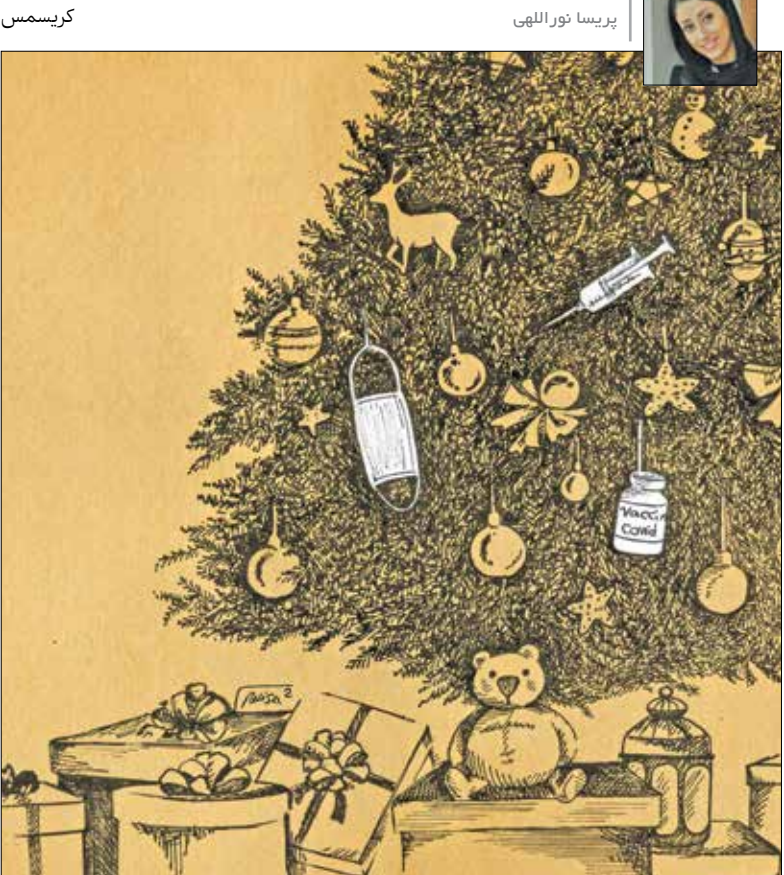
ایران در ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این کشور در ۲۸ درجه و ۱۷ دقیقه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی قرار دارد. ایران در ۴۳ و ۵۰ درجه عرض و ۱۳ و ۷۱ درجه طول قرار دارد.

ایران در ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این کشور در ۲۸ درجه و ۱۷ دقیقه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی قرار دارد. ایران در ۴۳ و ۵۰ درجه عرض و ۱۳ و ۷۱ درجه طول قرار دارد.

ایران در ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این کشور در ۲۸ درجه و ۱۷ دقیقه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی قرار دارد. ایران در ۴۳ و ۵۰ درجه عرض و ۱۳ و ۷۱ درجه طول قرار دارد.

ایران در ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این کشور در ۲۸ درجه و ۱۷ دقیقه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی قرار دارد. ایران در ۴۳ و ۵۰ درجه عرض و ۱۳ و ۷۱ درجه طول قرار دارد.

ایران در ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این کشور در ۲۸ درجه و ۱۷ دقیقه شمالی و ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی قرار دارد. ایران در ۴۳ و ۵۰ درجه عرض و ۱۳ و ۷۱ درجه طول قرار دارد.



#کرونا

چند روزی است که خبرانتشار ویروس جدید کرونا همه را متعجب کرده و ترسانده. ابتدا ویروس جدید کرونا در انگلیس شیوع پیدا کرد که در کشورهای آلمان و عمان و ایتالیا هم دیده شد و بعد یک کروناي جدیدتر از آن باز هم در انگلیس آمد و بالاخره کروناي دیگری در نیجریه دیده شد. اخبار این ویروس‌های جدید در کنار درخواست خرید واکسن مهم‌ترین مسائلی بود که در شبکه‌های اجتماعی به آن پرداخته می‌شد: «تنها فرق کروناي انگلیسی با نسخه چینی اینه که فرمونش سمت شاگرد وگرنه شما همون ماسک‌ت روبزن»، «هشدار جدی و فوری به ۸۵ میلیون ایرانی که باید به آن توجه کنند. کروناي جهش یافته انگلیسی با قابلیت سرایت و چسبندگی چندین برابر نسخه چینی، در کمین ایرانیان است و اگر جدی نگیریم ممکن است یک ترازوی ملی رقم بخورد»، «بعد از تروناي مدل انگلیسی کروناي مدل آفریقای جنوبی هم اومده… دوتا کروناي دیگه بیهاد حرکت هان»، «هر کشوری داره واسه خودش به مدل کروناي جدید تولید و ثبت میکنه اما هنوز داریم از همون نسخه چینی خراب شد» و هیچ فکر نمی‌کردم از چند ساعت «شرکت آسترانکا می گوید واکسنش احتمالاً در برابر جهش جدید ویروس کرونا مؤثر خواهد بود.»، «کروناي نیجریه هم اومد. جهش یافته‌تر از کروناي انگلیسی»، «روی کرناياب به پیچی بزتن کروناي انگلیسی روهم تشخیص می‌ده.»، «عمیقاً عجیبه: تست های منفی کم کاذب هستن؛ تقریباً ۸۰ درصدی علامته‌ه وقتنی که اکسپژن خون خیلی کاهش پیدا میکنه بروز میکنه. من و همکارانم، بالغ بر ساعت‌هاست نتواپدیدیم. موج جدید داره شروع میشه…»، «با این کروناي جدید که اومده و ۷۰ درصد انتشارش بیشتر از قبلیه، دیگه باید جمع کنیم از زمین بریم»، «این ویروس جدید کرونا اون مرحله فیلمه که زامبیا از تو دهنشون به چیزی درمییاد…»، «دو خبر خوب در مورد واکسن کرونا اومده. اولی اینکه واکسن ایران به نقل از نیویورک تایمز در لیست واکسن‌های مهم و مطرح معرفی شده و دیگر اینکه واکسن مدرنا در برابر کروناي جدید هم مؤثر است.»، «اولین نوع جدید کووید۱۹ در آلمان هم تأیید شد. وای به حال جاهای دیگه دنیا و ایران. هنوز واکسن کووید۱۹ رو به کسی تقریباً تزریق نکردند باید دوباره دنبال واکسن جدید دیگه بگردند. انگاری این تمامی نخواهد داشت.»، «فرقش اینه که وقتی یکی کرونا می‌گیره بهش می‌گیم کروناي قدیم گرفتی یا کروناي جدید؟»، «مگه ما مسخره‌ایم که هر روز کروناي جدید میاد، «کروناي مدل جدید اومده؟ مگه موبایله که مدل جدید بیاد؟»

شهروند مجازی	شهروند مجازی
یکانه خدایی	یکانه خدایی
دیروز هفدهمین سالگرد زلزله بم بود. خاطره‌های تلخ که همچنان در ذهن مردم ماندۀ است و دیروز خیلی‌ها با انتشار عکس‌هایی از این زلزله می‌نوشتند و بازماندگان بم هم خاطراتی را می‌نوشتند که خواندن‌شان سخت بود: «۱۷ سال پیش در چنین روزی از قطار پیاده شد و با فضای گنگ شهر کرمان و صدای مکرر پرواز هلیکوپترها روبه‌رو شد. راننده تاکسی گفت: «بم خراب شد» و هیچ فکر نمی‌کردم از چند ساعت بعدشان تا همین حالا، بزرگ‌ترین ترس زندگی‌ام زلزله شود. تصاویری از بم تا آخر عمر از ذهنم پاک نمی‌شود. پسری که نیمه شب تنها وسط بلوار بروات کنار آتش نشسته بود و احساس تمام خانواده پرجمعیتش را به تنهایی از ویرانه خانه بیرون کشیده بود، خودش پتویی نداشت و تمام پتوها را روی اجساد عزیزانش کشیده بود. شب قبل در خانه‌شان عروسی بود. خیابانی که تا چشم کار می‌کرد، دو طرفش جسد بود و محله‌های قدیمی که فقط نخل‌های حیاط خانه‌هایش پابرجا مانده بودند. و صاحب آن پیکان قرمز در جاده شلوغ کرمان به بم که جسد عزیزانش را در صندوق عقب گذاشته بود و در جاده می‌رفت.»، «من هر دفعه که زمین میلرزه انگار دوباره برمی‌گردم ۵:۳۰ صبح ۵ دی.»، «همچنین روزی وقتی بم لرزید شهر ما مسجدسلیمان هم لرزید ولی صبحش متوجه عمق فاجعه‌توی بم شدم من	دیروز هفدهمین سالگرد زلزله بم بود. خاطره‌های تلخ که همچنان در ذهن مردم ماندۀ است و دیروز خیلی‌ها با انتشار عکس‌هایی از این زلزله می‌نوشتند و بازماندگان بم هم خاطراتی را می‌نوشتند که خواندن‌شان سخت بود: «۱۷ سال پیش در چنین روزی از قطار پیاده شد و با فضای گنگ شهر کرمان و صدای مکرر پرواز هلیکوپترها روبه‌رو شد. راننده تاکسی گفت: «بم خراب شد» و هیچ فکر نمی‌کردم از چند ساعت بعدشان تا همین حالا، بزرگ‌ترین ترس زندگی‌ام زلزله شود. تصاویری از بم تا آخر عمر از ذهنم پاک نمی‌شود. پسری که نیمه شب تنها وسط بلوار بروات کنار آتش نشسته بود و احساس تمام خانواده پرجمعیتش را به تنهایی از ویرانه خانه بیرون کشیده بود، خودش پتویی نداشت و تمام پتوها را روی اجساد عزیزانش کشیده بود. شب قبل در خانه‌شان عروسی بود. خیابانی که تا چشم کار می‌کرد، دو طرفش جسد بود و محله‌های قدیمی که فقط نخل‌های حیاط خانه‌هایش پابرجا مانده بودند. و صاحب آن پیکان قرمز در جاده شلوغ کرمان به بم که جسد عزیزانش را در صندوق عقب گذاشته بود و در جاده می‌رفت.»، «من هر دفعه که زمین میلرزه انگار دوباره برمی‌گردم ۵:۳۰ صبح ۵ دی.»، «همچنین روزی وقتی بم لرزید شهر ما مسجدسلیمان هم لرزید ولی صبحش متوجه عمق فاجعه‌توی بم شدم من

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۷۲۰ تأهیر: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۰۷۵ پيامک: ۰۲۱-۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مخدوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۷۴۸۰۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه جام جم پرتز برنا سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ پخشیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir	
اذان ظهر ۱۲/۰۰ اذان مغرب ۱۸/۰۱ نیمه شب شرعی ۱۹/۲۳ اذان صبح فردا ۴۳/۵ طلوع آفتاب فردا ۱۳/۷۱	
پیامبر اکرم(ص) : هرکس برای نیاز بیماری بکوشد -چه آن را برآورده سازد، چه نسازد- مانند روزی که از مادرش زاده شده، از گناهانش پاک می‌شود.	
سخن روز	من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

به قول‌هایی که درباره «رادی» داده شده امیدواریم

حمید بانو عناق: درباره نامگذاری خیابانی به نام اکبر رادی که در دومین جشنواره بنیاد رادی قولش داده شد باید بگویم که می‌دانم در این مورد حسن نیت وجود دارد و جناب حق شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی واجتماعی شورای شهر تهران حتماً این مورد مهم را در دستور کارشان قرار داده‌اند و من یقین دارم به انجام می‌رسد؛ در باره چاپ و نشر کتاب‌های رادی که قرار بود از سوی نشر «خاموش» منتشر شود و در دسترس عموم قرار بگیرد هم هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم. نمی‌دانم اگر رادی بودمی توانست اینگونه رفتارها و سهل انگاری‌ها را در مورد کار و کتابش تحمل کند یا نه؟ به هر حال ما مجبوریم قولی را که داده‌اند باور کنیم و شاء الله موانع برطرف و چشم‌مان به سه کتاب ارزشمند او روشن خواهد شد.
دی‌ماه برای من روز خاصی است، زیرا خداوند اولین فرزند ما، «آریا» را در همین روز عطا فرمود و همیشه باید آوری روز تولد پروردادی را حاضر حس کنم.

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

از گروه‌های تئاتری حمایت شود

خواهد شد. به عقیده من امروز می‌شود همه چیز را به گردن کرونا انداخت اما در خلوت خود می‌توانیم این سؤال را هم از خودمان بپرسیم که مگر قبل از کرونا چه اتفاق خاص و ویژه‌ای برای تئاتر افتاد و یا در دوران پیش از این پاندمی چه تغییر و تحول خاصی رخ داد که باعث شد تئاتر به شکل درست و اصولی‌اش پیشرفت کند. پس به عقیده من اگر از تئاتر آنلاین استقبال نشد، امری کاملاً بدیهی است و اتفاقاً اگر استقبال می‌شد جای تعجب داشت و این عدم استقبال حداقل برای کسی مثل من کاملاً قابل پیش بینی بود. در این مدت صرفاً هزینه‌هایی انجام شد تا همان بخشی که گفته می‌شود بخش آماری به جایی برسد در حالی که می‌شد با این هزینه‌ها، نه فقط امسال، که سال‌های گذشته و بعد هم کارهای مفیدتری انجام داد و نمونه‌اش حمایت بی‌قید و شرط از گروه‌های تئاتری برای حفظ انسجام و تولید بود. اگر می‌خواهیم چراغ تئاتر روشن بماند و به حیات خود ادامه بدهد این اتفاق باید دیر یا زود بیفتد و از گروه‌های تئاتری متناسب با شان و شخصیت تئاتر و تئاتری‌ها حمایت شود آن‌هم بدون هیچ درخواست و مطالبه‌ای. هنر نمایش، هنری بله قربان‌گو نیست، اتفاقاً برعکس و اگر هم باشد دیگر نمی‌شود اسمش را تئاتر گذاشت بلکه یک «شو» و نمایش برای انجام خواسته‌های دیگران است و یک شعار به تمام معنی. به هر روی ما بعد از کرونا آدم‌های گذشته نخواهیم بود چون اتفاق بزرگی در سراسر جهان رخ داده و به عقیده من ممکن نیست چنین رخداد بزرگی ما را بدون تغییر بگذارد بلکه تصور من این است که پس از این دوران آدم‌ها و موضوعات در جامعه و البته در تئاتر تغییر می‌کند و تئاتر به سمت انسانی شدن که اصل و جوهره‌اش است برمی‌گردد.

پیشنهاد	پیشنهاد
محمد فکری پژوهشگر	محمد فکری پژوهشگر
مجموعه کتاب‌های «مدرسه زندگی» در سراسر جهان محبوب هستند و به زبان‌های متعددی ترجمه شده‌اند. ویژگی مهم و متمایز این مجموعه کتاب‌ها نگاه بین‌رشته‌ای به موضوعاتی است که صرفاً روانشناختی و شخصی به نظر می‌رسند. این کتاب‌ها با رویکردی ترکیبی، هم‌زمان از فلسفه، جامعه‌شناسی و روان شناسی و ذکر مثال‌هایی از متون ادبی شاخص جهان برای فهم و تحلیل کاربردی موضوعاتی بهره می‌برند که ما انسان‌ها در زندگی روزمره خود با آنها درگیر هستیم و همین امر باعث می‌شود از کتاب‌های روان‌تلقینی و روانشناختی رایج بسیار متمایز باشند. هدف مدرسه زندگی این است که با مطالعه موضوع‌های مهم زندگی و با کمک فرهنگ، زندگی ما را شفاف‌تر و لذت‌بخش‌تر کند و از ابهام‌های بکاهد.	مجموعه کتاب‌های «مدرسه زندگی» در سراسر جهان محبوب هستند و به زبان‌های متعددی ترجمه شده‌اند. ویژگی مهم و متمایز این مجموعه کتاب‌ها نگاه بین‌رشته‌ای به موضوعاتی است که صرفاً روانشناختی و شخصی به نظر می‌رسند. این کتاب‌ها با رویکردی ترکیبی، هم‌زمان از فلسفه، جامعه‌شناسی و روان شناسی و ذکر مثال‌هایی از متون ادبی شاخص جهان برای فهم و تحلیل کاربردی موضوعاتی بهره می‌برند که ما انسان‌ها در زندگی روزمره خود با آنها درگیر هستیم و همین امر باعث می‌شود از کتاب‌های روان‌تلقینی و روانشناختی رایج بسیار متمایز باشند. هدف مدرسه زندگی این است که با مطالعه موضوع‌های مهم زندگی و با کمک فرهنگ، زندگی ما را شفاف‌تر و لذت‌بخش‌تر کند و از ابهام‌های بکاهد.
نشر «هنوز» به تازگی کتاب دیگری از این مجموعه را با عنوان «خود را بهتر شناختن» منتشر کرده است. این کتاب در قطع جیبی و ۷۰ صفحه در زمانی اندک قابل خواندن است. عناوین شش فصل این کتاب عبارتند از: ناآگاهی، تعمق فلسفی، هویت احساسی، صداقت و انکار، قضاوت خود و شک احساسی.	نشر «هنوز» به تازگی کتاب دیگری از این مجموعه را با عنوان «خود را بهتر شناختن» منتشر کرده است. این کتاب در قطع جیبی و ۷۰ صفحه در زمانی اندک قابل خواندن است. عناوین شش فصل این کتاب عبارتند از: ناآگاهی، تعمق فلسفی، هویت احساسی، صداقت و انکار، قضاوت خود و شک احساسی.

خود را بهتر شناختن	خود را بهتر شناختن
خودشناسی صرفاً بر پایه شناختی دقیق از هویت‌مان شکل می‌گیرد و با آن می‌توانیم در زمینه‌های گوناگون زندگی، بخصوص عشق و کار، تصمیماتی مطمئن بگیریم. این کتاب ما را به عمیق‌ترین و دست‌یافتنی‌ترین زوایای وجودمان می‌برد تا به ابزارهای شناخت شخصیت‌مان مجهز شویم و به فهمی عمیق‌تر از شناخت خود برسیم و درایبیم هنگام تصمیم‌گیری‌ها مراقب چه مسائلی باشیم و اولویت‌ها و توانایی‌های بالقوه‌ها چیست. تلاش موفق برای خودشناسی به این جمع‌بندی ختم می‌شود که شناخت ما از خودمان بسیار اندک است. کتاب با این جمله تمام می‌شود: «زمانی که بفهمیم درباره خودمان چه می‌دانیم و درایبیم که شاید بعضی چیزها را هرگز ندانیم، بالاخره خود را شناخته‌ایم.»	خودشناسی صرفاً بر پایه شناختی دقیق از هویت‌مان شکل می‌گیرد و با آن می‌توانیم در زمینه‌های گوناگون زندگی، بخصوص عشق و کار، تصمیماتی مطمئن بگیریم. این کتاب ما را به عمیق‌ترین و دست‌یافتنی‌ترین زوایای وجودمان می‌برد تا به ابزارهای شناخت شخصیت‌مان مجهز شویم و به فهمی عمیق‌تر از شناخت خود برسیم و درایبیم هنگام تصمیم‌گیری‌ها مراقب چه مسائلی باشیم و اولویت‌ها و توانایی‌های بالقوه‌ها چیست. تلاش موفق برای خودشناسی به این جمع‌بندی ختم می‌شود که شناخت ما از خودمان بسیار اندک است. کتاب با این جمله تمام می‌شود: «زمانی که بفهمیم درباره خودمان چه می‌دانیم و درایبیم که شاید بعضی چیزها را هرگز ندانیم، بالاخره خود را شناخته‌ایم.»
خود را بهتر شناختن نویسنده: مؤسسه مدرسه زندگی ترجمه: صنوبر رضاخانی ناشر: هنوز	خود را بهتر شناختن نویسنده: مؤسسه مدرسه زندگی ترجمه: صنوبر رضاخانی ناشر: هنوز

عکس نوشت	عکس نوشت
نقاشی کاتشوکیا هوکوسای نقاش معروف ژاپنی با عنوان «موج بزرگ» توسط یک طراح لگوو با ۵۰۰۰۰ بلوک لگو سه بعدی شد.	نقاشی کاتشوکیا هوکوسای نقاش معروف ژاپنی با عنوان «موج بزرگ» توسط یک طراح لگوو با ۵۰۰۰۰ بلوک لگو سه بعدی شد.
در این نقاشی، موج بزرگی دیده می‌شود که قایق‌ها را در نزدیکی کرانه استان کاتاکاوا ی زاین نهایی می‌کند و سرنشینان قایق‌ها کاملاً مغلوب قدرت موج عظیم شده‌اند.	در این نقاشی، موج بزرگی دیده می‌شود که قایق‌ها را در نزدیکی کرانه استان کاتاکاوا ی زاین نهایی می‌کند و سرنشینان قایق‌ها کاملاً مغلوب قدرت موج عظیم شده‌اند.
تمام عناصر قابل شناسایی از آثار هوکوسای، مانند کوه فوجی و ملوان‌های قایق‌های پارویی در این اثر سه بعدی هم دیده می‌شوند. این اثر حدود ۱/۲ در ۱/۵ متر است و در موزه هاینکو اوزاکا به نمایش گذاشته شده است.	تمام عناصر قابل شناسایی از آثار هوکوسای، مانند کوه فوجی و ملوان‌های قایق‌های پارویی در این اثر سه بعدی هم دیده می‌شوند. این اثر حدود ۱/۲ در ۱/۵ متر است و در موزه هاینکو اوزاکا به نمایش گذاشته شده است.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۷۲۰ تأهیر: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۰۷۵ پيامک: ۰۲۱-۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مخدوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۷۴۸۰۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه جام جم پرتز برنا سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ پخشیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir	
اذان ظهر ۱۲/۰۰ اذان مغرب ۱۸/۰۱ نیمه شب شرعی ۱۹/۲۳ اذان صبح فردا ۴۳/۵ طلوع آفتاب فردا ۱۳/۷۱	
پیامبر اکرم(ص) : هرکس برای نیاز بیماری بکوشد -چه آن را برآورده سازد، چه نسازد- مانند روزی که از مادرش زاده شده، از گناهانش پاک می‌شود.	
سخن روز	من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس

بخشی از گفت‌وگوی همسر اکبر رادی با خبرنگار ایستا / به بهانه سالمرگ این نمایشنامه‌نویس